

نگارنده کوشیده است در این پژوهش، صرفاً نتایج بررسی‌های خویش را در خصوص قرآن، تاریخ و سیره نبوی ارائه نماید و جهت آگاهی هرچه بیشتر خود و مخاطبان گرامی و غنای هرچه بیشتر موضوع از هرگونه نقد و بررسی در این خصوص به ویژه نظرات و راهنمایی‌های علمای عالقدر و متخصصان دینی بهره جوید، امید است موجب روشن‌تر شدن هرچه بیشتر زوایای مبهم، حقایق قرآن، تاریخ و سیره نبوی گردد.

آیا ما مسلمانان می‌دانیم مهم‌ترین رسالت و انقلاب پیامبر از ارائه دین اسلام به دستور خداوند و دلیل و چگونگی نزول آیات جنگ و جهاد برای چه و علیه چه کسانی بود؟ پاسخ به این پرسش از آن جهت بااهمیت است که بی‌تردید تحقق مسلمانی ما در گرو این است که دقیقا قدم بر جایی که پیامبر نهاده است، بگذاریم و طبق آیه صدر مقاله از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) پیشی نگیریم، بر او نقد نجوییم و در این خصوص از خدا بترسیم الف - مهم‌ترین رسالت و انقلاب اسلامی پیامبر (ص) (برچیدن بت پرستی بود؛ مهم‌ترین هدف شارع مقدس از ارسال رسولان که پیامبر نیز طبق دستور خداوند سخت بدان اهتمام ورزید، برچیدن بساط بت پرستی بود. بر همین اساس بخش بسیار مهم و عمده آیات قرآن بدون شک و کاملاً واضح و روشن اختصاص به سخنان خداوند در خصوص نبی پرستش بتان و دعوت به یکتا پرستی است و این بیانگر اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش مأموریت پیامبر مکرم اسلام (ص) و البته تمامی پیامبران می‌باشد و توجه مبلغان و نیز محققان دینی را به چند نکته مهم جلب می‌نماید. در درجه اول، اینکه این مهم، یعنی برچیدن بت پرستی > توسط پیامبر تحقق یافت. دوم به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه اکثریت جوامع در جهان کنونی، جوامعی دینی می‌باشد، لذا مسلمانان رسالتی مبنی بر مبارزه و جهاد با بت پرستی و جنگ علیه مظاهر و مصادیق بت پرستی ندارند. نمونه بارز مصادیق کفر و بت پرستی اسلام آوردن ابوسفیان و خاندان وی بود در حالی که اسلام آوردن ابوسفیان به دلیل شکست در برابر مسلمانان و از روی ترس و کاملاً ظاهر سازی و ریاکارانه بود و همواره مترصد فرصت بود تا قدرت را به دست گیرد و انتقام کشته‌ها و شکست‌های بی‌شمار خویش را بگیرد. اگر مبنای پیامبر مصادیق بت پرستی بود؛ بالاخره این پیامبر بود که می‌توانست اسلام آوردن ابوسفیان و خاندانش را نپذیرد تا آن فجایع و بدعت‌گذاری‌ها بعد از پیامبر رخ ندهد، ضمن آنکه مبارزه مولا علی (ع) (نیز با مصادیق بت پرستی، با معارزه جهادی در درون اعراب بود.

رسالت پیامبر در مسلمان کردن بت پرستان و کسانی که اسلام آوردند تا آن حد بود که شهادتین را بر زبان جاری و نیز حدود و احکام اجتماعی را احترام گذارده، مراعات نمایند و این برای ابوسفیان که مرد شماره یک قریش به شمار می‌رفت، شکستی سخت و برای مسلمانان، پیروزی بزرگی بود. این امر همان‌طور که گفتیم گرچه موجب تلبیس چهره خاندان اموی گردید و بعدها با همین چهره مسلمان‌نما توانستند بر اریکه خلافت و قدرت بنشینند و ضربات سنگینی به دین تازه و نورس پیامبر بزنند ولی پیامبر (ص) اصل را بر جاری نمودن شهادتین بر زبان یک مسلمان و پذیرفتن مسلمانی آنان فرار داد. ۱۳ سال اول بعثت پیامبر اسلام (ص) در مکه به تبلیغ یکتا پرستی و نبی و سرزنش بت پرستی گذشت. اشراف قریش وقتی تأثیر دین یکتا پرستی پیامبر را دریافتند به‌طور جدی با او مبارزه کردند و ۱۳ سال رسالت پیامبر به سخت‌ترین روزها و سال‌ها گذشت تا اینکه بعد از ۱۳ سال پیامبر مکرم اسلام (ص) به دلیل آزار قریش و طبق

دستور وحی به مدینه مهاجرت نمودند که مبدأ بسیار مهمی در تاریخ مسلمانان گشت. ب - جنگ‌های پیامبر(ص) فقط با مشرکین و بت‌پرستان بود؛ بعد از مهاجرت پیامبر(ص) به مدینه حدود ۱۱ ماه و یه روایتی ۱۸ ماه که همچنان مسلمانان در مدینه مورد آزار اشراف فریش قرار می‌گرفتند؛ طبق آیات قرآن دستور جهاد از طرف خداوند ابلاغ گردید. بر اساس آیه ۲۱۶ سوره بقره: کتب علیکم القتال... جهاد در راه خدا بر شما مقرر گردید، و سایر آیات قرآن که مقدم یا موحر بر آیه فوق در باب جهاد بر پیامبر مکرم اسلام نازل گردید.

تمام جنگ‌های پیامبر(ص) در طی ۱۰ سال مهاجرت و اقامت در مدینه و در اتصال بلافصل با وحی صورت پذیرفت و این نکته بسیار مهمی است که پیامبر(ص) در هیچ کاری اقدام نمی‌نمود؛ مگر اینکه دستوری از وحی داشت و نزول آیات جهاد پس از ۱۳ سال رنج و مبارزه و زندگی در محاصره و تبعید و تحمل دشواری‌های طاقت‌فرسا موجب شور و خوشحالی بسیار زیاد مسلمانان گشت؛ به ویژه که مسلمانان به پیامبر شکایت و اصرار می‌نمودند که چرا دستور به جهاد نمی‌دهد و پیامبر(ص) می‌فرمود: بی‌اذن خداوند قادر بر هیچ امری نیست بنابراین بی‌هیچ تردید پیامبر در همه اقداماتش تابع صددرصد وحی بود، لذا ضروری است به برجسته نمودن چند نکته مهم درخصوص موضوع و چگونگی امر به جهاد، که به نظر نگارنده می‌رسد در این مقال بپردازیم: ۱- پیامبر مکرم اسلام طبق دستور وحی اقدام به جهاد نمود و پیامبر(ص) آخرین رسول و خاتم النبیین است، به این معنا که به‌طور کلی ارسال رسولان و نزول آیات وحی قطع می‌گردد و هرگز آیات و دستوری از خداوند نازل نخواهد شد که تکلیف جنگ و جهاد بر مسلمانان باشد؛ اگرچه

مسلمانان با تربیت و مضامین قرآنی که صبح و شام آن را قرائت می‌نمایند به خوبی در می‌یابند که باید همواره به اصلاح جامعه بپردازند و تردیدی ندارند که حمایت‌های خداوند را با خود خواهند داشت؛ این است که دینداران و مجاهدان راه حق همه مشکلات و دشواری‌ها را به جان خریده، تا بتوانند با تمام وجود در اصلاح جوامع قدم بردارند اما واقعیت این است که این بار سنگین امانت را چگونه باید به مقصد رساند که هم به تکلیف خود عمل نماییم و هم در این راه از

حدود و احکام دین خدا و همچنین از اسوه حسنه و واسطه برحق دین اسلام یعنی پیامبر مکرم اسلام(ص) پیشی نگیریم (در سال‌های اوج جنگ افغانستان نامه‌ای از بن لادن در روزنامه‌ها چاپ شد که سادگی خاصی در بیان جملات آن بود و از مسلمانان شکوه می‌کرد که چرا غیرت ندارند و می‌بینند؛ احکام دین پیامبر اینگونه به ازوا کشیده شده است و برای مثال به یادآوری آیات قرآن و تاکید درخصوص نشستن زنان در خانه را می‌نمود و اذعان داشت که می‌خواهد طبق

قرآن عمل نماید؛ در حالی که آیات مزبور اختصاصی همسران و خانواده پیامبر بوده و تاکید است بر تعدیل رفتار زنان پیامبر بعد از اسلام آوردن آنان نسبت به دوران قبل از اسلام که دیگر مانند سایر زنان عادی نیستند؛ مثلا در هنگام خرید و حضور در بازارها و معاشرت با دیگران و شرایط خاصی که همسر مرد بزرگی مثل پیامبر ایجاب می‌کند و به آنان

تذکر می‌دهد به عنوان یک الگو با دیگر زنان تفاوت دارند و در قسمتی دیگر این نامه از اندوه شدید و ناسف او حکایت می‌کرد که چرا به پشتیبانی از اجنبی علیه او برخاسته‌اند؛ این است یکی از دلایل به خون و آتش کشیدن مردم و

سرزمین افغانستان توسط طالبان و بالاخره باز شدن پای آمریکاییان به آن کشور و بسیار نکات دیگر که خود مقاله جداگانه می‌طلبد.) با توجه به مقدمات پیشین به نظر می‌رسد چون در زمان دستور وحی نمی‌باشیم، با توجه به

واقعیت‌های بسیار پیچیده موجود در جهان کنونی می‌توان راهکارهای دیگری را تجربه نمود؛ به ویژه آنکه هر حرکتی از سوی ما مسلمانان باید الگویی قابل تعمیم و نیز قابل کارکرد برای جهانیان به ویژه جهان اسلام باشد و با توجه به سیره

نبوی می‌بینیم که پیامبر طی ۱۳ سال بی‌آنکه بخواهد شمشیر بزند و خونی بریزد به تبلیغ پرداخت که این بیانگر عدم اولویت رسالت دینداران در مبارزه با خون و شمشیر است، اگرچه برانداختن بت پرستی باشد. تا اینکه پیامبر پس از ۱۳ سال تبلیغ به دستور خداوند و برای برجیدن بساط حکومت‌های بت پرست تکلیف بر جهاد یافت و نیز تمام پیامبران اولعزم مانند ابراهیم (ع) عیسی (ع) و موسی (ع) که در منابع دینی انری از جهاد مسلحانه نمی‌بینیم بلکه فقط دعوت مردم به پرستش خداوند یکتا است و پشتیبانی و معجزات خداوند در مواضع بسیار موجب پیروزی اقوام بنی‌اسرائیل و نابودی فرعونیان و نمرودیان شد. در زمان نوح (ع) نیز به نجات پیروان ایشان توسط کشتی گردید نه جهاد مسلحانه و حتی در داستان کشتن یک نفر از قبطیان توسط موسی (ع) تکرار این عمل در قرآن به گمراهی و عملی غیرمصلحانه یاد شده است. توجه به این آیات در قرآن و وقایع آن جالب و محل تدبر بسیار است، (آیات ۱۸ و ۱۹ سوره قصص و آیه ۴۰ سوره طه) به عبارتی جهاد پیامبر و یا مسلمانان برای ایمان آوردن سایر ادیان به دین اسلام در تضاد با هدف خداوند و ارسال رسولان قبل می‌باشد و البته خداوند به تدریج دین را کامل نمود؛ اگرچه به اعتقاد ما مسلمانان دین اسلام کامل‌ترین دین است و ادیان قبل از اسلام نیز می‌باید به اسلام ایمان آورند اما بی‌تردید نه با تهدید و جهاد و به زیر تیغ بلکه صرفاً به حریر تبلیغ و دعوت و اینکه به اعتقاد نگارنده مغرب زمین دچار این اشتباه و تحریف گردیده و اختلاف و کشمکش ادیان در قرون پیشین مانند جنگ‌های صلیبی را به حساب ضعف ذاتی دین گذارده است در حالی که هرگز دستوری در هیچ دینی علیه دین دیگر صادر نشده است.

بنابراین به نظر می‌رسد پیامبر راساً از طرف خداوند دستور جهاد، با بت پرستی داشت و همین رد پای اذن جهاد با بت پرستان را در پیامبران بنی‌اسرائیل از جمله در زمان سمویل پیامبر و یا همان یوشع پیامبر (ع) در آیات قرآن کریم سوره مبارکه بقره آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ می‌بینیم (که به جهت اهمیت موضوع در قسمت‌های دیگر همین مقاله به تفصیل به آن خواهیم پرداخت) و این بیانگر عدم توصیه خداوند در تبلیغ و گسترش دین و تمسک جستن به خون و شمشیر است مگر برجیدن بت پرستی آن هم در میان قبیله و اقوامی که هر پیامبر و یا پیامبر بزرگوار اسلام زندگی می‌کردند و آن هم تا حد اقرار به مسلمانی به زبان و در قالب شهادتین، ولی متأسفانه تاریخ بشریت مشحون از جنگ‌های پیروان بر مدار و انگیزه‌های دینی است و البته، به نظر می‌رسد تکلیف تبلیغ دین خداوند بر پیروان در این زمان بسیار سنگین‌تر است و در این راه می‌باید از کتاب خدا و روش پیامبر که در قرآن و احادیث و روایات معتبر آمده است مدد گرفته و بیز اکنون می‌توان در زمان انقطاع وحی برای موفقیت بیشتر از نعمت عظیم مشورت و عقل جمعی و نظر کارشناسان بهره جست، که در فردای قیامت در برابر نعمت‌ها است که بازخواست می‌شویم و اما اینکه به نظر می‌رسد تکلیف بر مسلمانان، سنگین‌تر است از آن جهت می‌باشد که تاولاً بت پرستی در جهان امروز تقریباً وجود ندارد و به استثنای کشورهای روسیه و حوزه آن، چین و اغلب کشورهای آمریکای لاتین که دارای ملت‌ها و یا دولت‌های کمونیستی و لائیک می‌باشند و کشوری مانند چین که بیشترین مردمانش و یا دولت روسیه به تنها چیزی که اعتقاد ندارند پرستش خدای یکتا است، که اساساً و بی‌هیچ تردید دلیل اصلی بعثت انبیا است و از قضا به دلیل رفتارهای نسبتاً منطقی و اصولی و انسان‌گرایانه و نیز دیپلماسی آرام کشورهای مزبور و انطباق با اصول قانون اساسی کشورمان، رابطه با کشورهای مزبور مورد استقبال زمامداران جمهوری اسلامی است و از اینگونه کشورها که بگذریم اکثریت جهان امروز جوامعی دیندارند و

به نظر می‌رسد تکلیفی از دین در جهان کنونی به شکل جهاد و مبارزه آشکارا و علنی و انقلابی مانند جهاد علیه بت پرستان در زمان و به روش پیامبر(ص) نداشته باشیم .

دوم: اینکه مظاهر و مصادیق بت پرستی و شرک، فساد و فحشا به مراتب دهشتناک تر و خطر آن بیشتر است ولی قطعا چون شکل بت پرستی که بی اعتنایی و نادیده گرفتن وجود خداوند در جهان کنونی است تغییر نموده؛ روش مبارزه و جهاد و تبلیغ نیز می‌باید تغییر یابد، زیرا جهان نوین به ویژه جهان مغرب زمین دارای مدنیت و دموکراسی رشد یافته‌ای است که مذاهب و مکاتب فکری متعددی را پشت سر گذاشته، از جمله دورانی که دین و مذهب مهم‌ترین اندیشه و دغدغه انسانی و عاملی مهم در تصمیمات و سیاستگذاری‌ها و سهم مهمی در حوزه قدرت حکومت‌ها محسوب می‌گردید و همواره جدال و اختلاف در عقاید دینی عاملی بسیار مهم در بروز جنگ و کشتارهای بی‌شمار انسانی بوده است در واقع ترویج و به کارگیری روش‌های تحریف شده دینی هم به دلیل چهل پیروان ادیان مختلف و نیز ایزاری شدن دین به دست صاحبان قدرت عاملی شد که به تحقیر و ذلت وجود آدمی منجر گردیده و در نهایت بهره‌گیری نادرست و تحریف اندیشه‌های دینی از مسیر و اهداف اصلی انبیا، به نقطه‌ای رسید که جوامع دینی در جهان کنونی به جوامع لائیک و ضد دین تبدیل گردیده، عملا خداوند مسکوت و نادیده گرفته شد. لذا امروز در جوامع غربی دین و مذهب تاثیر چندانی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها نداشته و مکاتب‌های اومانیستی با تفکر انسان محوره مبنا و معیار وضع قوانین فردی و اجتماعی گردیده و از مذهب به‌جز اسارت انسانی و تجربه دوران سیاه قرون وسطی تبلیغ و یادآوری نمی‌گردد. و شاهدیم جهان امروز به دهشتناک‌ترین مصادیق فساد، کفر و ظهور بت‌ها و خدایان زر و زور، قتل‌عام و فجایع عظیم انسانی یا جدیدترین ابزارها، از طریق به خدمت گرفتن علوم نظامی و ساخت سلاح‌هایی که در چشم بر هم زنی می‌تواند سراسر گیتی را به نابودی بکشاند و از طرفی دعوت و فریفتن و تسخیر عقول و قلوب آدمیان و پرستش شیاطین آدم‌نما در وسعت شبکه‌های ماهواره و دعوت به اعمال زشت و گسترش فحشا و فساد و سقوط آدمیان تا دره‌های عمیق و مخوف اسفل‌السافلین، تا آنجا است که متأسفانه کنترل اینگونه شبکه‌های مستهجن تاکنون امکان‌پذیر نبوده و متأسفانه اندیشه‌های تزویج حاکم بر جوامع غربی یعنی بر ولنگاری و آزادی جنسی، همراهی بسیاری از صاحبان اندیشه را با خود داشته، به گونه‌ای که منجر به پیدایش تئوری‌های علوم انسانی و تجربی ویژه‌ای، جهت تبیین، توجیه و تایید هرچه بیشتر خاستگاه اینگونه تفکر و اندیشه گردیده است .

۲- جهاد و جنگ پیامبر فقط جهت بر چیدن بت پرستی و ظلم بوده است و نه به هیچ دلیل دیگر، بزرگ‌ترین آسیب در نتیجه حذف مولا علی(ع) و در انزوا قرار دادن ایشان همین کم تابی خلفا در کشورگشایی‌ها و جنگ جهت مسلمان ساختن این کشورها بوده است و اینگونه کشورگشایی‌ها در زمان خلفای نامشروع بنی‌امیه و بنی‌عباس در اوج تحریف و بدعت‌ها ادامه یافت. مولانا داستان آن مجاهد را نقل می‌نماید که پس از ۷۰ بار شرکت در جنگ شهید نگشته، پس از جنگ در مجاهدت با نفس و جهاد اکبر بود تا اینکه آواز طبل جنگ را دوباره پس از سال‌ها شنید که دعوت به جهاد اصغر می‌نمود و نفسش را خوش آمد که به جنگ رفته، کشته شود تا از جنگ دشوار با نفس رها شود که مرا هر روز اینجا می‌کشی و جنگ با نفس یعنی اصلاح درون و سپس پرداختن به اصلاح جامعه خویش و سایر جوامع. در قرآن کریم در آیه ۶۹ از سوره مائده و نیز در آیه ۶۲ از سوره بقره مشخصا از یهود و مسیحیان و صابئین (پیروان یحیی(ع)) در صورت ایمان به خدا و روز قیامت به عنوان ادیان پذیرفته شده یاد می‌نماید و در آیه ۱۷ سوره حج در خصوص

مجوسان و پیروان سایر ادیان آمده است: < ان الذین آمنوا والذین هادوا والصابئین والنصارى والمجوس والذین اشركوا ان..... یفضل بینهم یوم العیمة ان..... علی کل شیء شهید > خداوند بین اهل ایمان و یهودیان و صابئین و مسیحیان و مجوس و آنان که به خدا شرک ورزیدند، در روز قیامت حکم می‌کند همانا خداوند بر همه امور گواه است <در تفسیر نمونه (حضرت آیت..... مکارم شیرازی) در خصوص آیه مزبور چنین آمده است: از ۶ گروه پیروان مذاهب مختلف یک گروه مسلم و مومند و ۵ گروه غیرمسلمان؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و یهود و صابئان و نصارا و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنها روز قیامت داوری می‌کند و حق را از باطل جدا می‌سازد. و نیز در ادامه تفسیر آیه مزبور آمده است: < نوازه مجوس فقط یک بار در قرآن مطرح شده و با توجه به اینکه در صف ادیان آسمانی و در برابر و مقابل یا مشرکان قرار گرفته است چنین بر می‌آید که آنها دارای دین و کتاب و پیامبر بوده‌اند و تردیدی نیست که به پیروان زردشت گفته می‌شود <و سایر توضیحات در خصوص از بین رفتن اوستا و تحریف و بازنویسی مجدد آن و نیز روایات از پیامبر (ص) که فرمود طبق سنت اهل کتاب یا آنها رفتار شود و نیز فرمود: ان المجوس کان لهم نبی فقتلوه و کتاب احرقوه (مجوس پیامبری داشتند و کتاب آسمانی، پیامبرشان را به قتل رساندند و کتاب او را آتش زدند (روایت پیامبر مربوط به اقوام مجوسی مانند هجراست از همان تفسیر) قوم هجر در حاشیه عربستان و در میان اعراب زندگی می‌کردند. > و اینکه به نظر می‌رسد ما مسلمانان تکلیف به تغییر جوامع به گونه‌ای تهدیدآمیز با سلاح جنگ سرد و تبلیغات مستقیم و نیز تهدید به اصلاح و آن هم به صورت مبارزه علنی و فریادهای سرکوبگرانه مرگ بر اینگونه جوامع و دولت‌های آنها نداریم، تا موجب عکس‌العمل تند اینگونه دولت‌ها و قطعا منجر به بروز جنگ گرم و کشتار انسان‌های بی‌گناه گردد چراکه جهاد ابتدایی در عصر غیبت به اجماع حرام است. نیز برانگیختگی این حکومت‌ها در به کارگیری انواع حیل‌های آنان که منجر به نابودی کشور و ناامنی سیاسی اقتصادی و اخلاقی (مانند تورم، بیکاری، قتل و اعتیاد) در کشورمان و در منطقه خاورمیانه که مهد و وارث ظهور تمدن‌های عالی است، گردد. به همین دلیل ممکن است بعضا دیپلماسی فعلی کشورمان بهترین ابزار برای قدرت‌های غربی و نیز رقبای ایران (توجه گردد به رشد و توسعه سریع کشورهای عربی همسایه در ۳ دهه اخیر) در منطقه باشد که می‌کوشند ایران همواره در ناامنی و جنگ گرم و بدتر از آن دچار جنگ سرد و اضمحلال تدریجی، جنگ روانی و فرار مغزها گردد.

و دولت‌های غربی از این موضوع استفاده نموده آگاهانه و برنامه‌ریزی شده عمل نمایند و از طرفی با گسترش دموکراسی و ابزارهای تکنولوژیک و ایجاد رفاه و آسایش، در نهایت موجب جذب مردمان از سراسر جهان به مغرب زمین و فرهنگ‌های غربی خویش گردند.

۳- جهاد پیامبر با صاحبان ادیان شریعتی، مانند یهود و نصاری نبود، مگر از آن جهت که علی‌رغم پیمانی که پیامبر در همان ابتدای ورود به مدینه با یهودیان منعقد کرد و یهود نفی پیمان نموده، به یاری بت‌پرستان و مشرکین مکه از در خیانت با پیامبر درآمدند والا پیامبر دستوری از خداوند جز دعوت یهود و نصاری به دین اسلام نداشت.